

## حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در درگیریهای مسلحانه غیربین‌المللی

نوشته: مارک فریمن

ترجمه: سعید ارادت

### مقدمه

در سالهای اخیر، بسیاری از حقوقدانان و اندیشمندان بین‌المللی، تقارن اساسی بین نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را متذکر شده‌اند. (۱) این تقارب از چاره‌اندیشی گسترده در قبال گسترش تأسف بار درگیریهای مسلحانه خشن داخلی در بسیاری از نقاط جهان نشأت می‌گیرد. (۲) این درگیریها خواه در کلمبیا، السالوادور یا سیرالئون، سبب شده است که نقایص عمده حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه روشن‌تر شود و در نتیجه در خصوص چگونگی رفع و جبران این نقایص به گونه‌ای که حمایت بیشتری را برای میلیونها قربانی این مخاصمات در پی داشته باشد، مباحثی در گرفته است. (۳)

عمده‌ترین نگرانی واقع در این بحث، سردرگمی پیرامون اعمال مناسب حقوق بین‌الملل بشر و بشر دوستانه در این مخاصمات است. چرا که هنوز بسیاری از مردم فکر می‌کنند که حقوق بین‌الملل بشر تنها در مواقع صلح اعمال می‌شود و این تنها حقوق بشر دوستانه است که در زمان جنگ قابل اعمال می‌باشد. به نظر می‌رسد که ایجاد

این سردرگمی از فقدان تجزیه و تحلیل صحیح پیرامون «برهم‌کنش هنجارها و نهادهای مرتبط با حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در این مخاصمات» در ادبیات حقوق بین‌الملل معاصر نشأت می‌گیرد.

از طرف دیگر، این مقاله تلاش می‌کند تا به این موضوع به پردازد و با محاسبه‌ای متعادل ولی قانع‌کننده از برهم‌کنش نرماتیو و سازمانی بین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در عرصه درگیریهای مسلحانه داخلی، رفع خلا موجود در ادبیات حقوقی را آغاز نماید.

این مقاله خود به سه بخش اصلی تقسیم خواهد شد: تجزیه و تحلیل انواع مختلف درگیریهای که در حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته است؛ بررسی هنجارهای قابل اعمال حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در حوزه درگیریهای مسلحانه داخلی؛ و مروری مختصر بر نهادهای اصلی صالح به جبران تخلفات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ارتكابی در طول این درگیریها.

با این حال، قبل از آن باید در خصوص گستره این مقاله نکاتی را در نظر داشت. اولاً، این مقاله منحصرأ بر آن بخش از مقررات

چهار نوع مختلف از وضعیت‌های درگیری مسلحانه را برسمیت می‌شناسد که هر یک از آنها تابع یک سلسله هنجارهای حقوقی متفاوت می‌باشند: وضعیت‌های آشوب و شورش [داخلی]؛ درگیریهای مسلحانه بین‌المللی، جنگهای نهضت‌های آزادی‌بخش؛ و مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی.

### الف - شورش‌ها و آشوب‌های داخلی

اصطلاح «شورش یا آشوب داخلی» بر وضعیت‌های دلالت دارد که پایین‌تر از حد درگیری مسلحانه بوده اما متضمن توسل یک حکومت، به زور و سایر تدابیر سرکوب‌کننده برای حفظ یا اعاده نظم و امنیت عمومی هستند. (۴) اگر چه باید متذکر شد که حکومت‌ها مجازند که در موارد وقوع آشوب‌ها و شورش‌های داخلی، یک سلسله تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشر را تعلیق یا محدود نمایند، لیکن تنها حقوق بین‌الملل بشر در این وضعیت‌ها قابل اعمال خواهد بود. (۵)

### ب - درگیری مسلحانه بین‌المللی

اصطلاح «درگیری مسلحانه بین‌المللی» بر وضعیت‌هایی دلالت دارد که دو یا چند دولت در یک درگیری مسلحانه شرکت داشته باشند. در این وضعیت‌ها، مقررات اصلی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به ویژه مقررات مندرج در کنوانسیونهای چهارگانه

حقوق بین‌الملل بشر که به حمایت از قربانیان درگیریهای مسلحانه داخلی مربوط می‌شوند متمرکز می‌شود و به بررسی مقررات حقوق بشری مربوط به انجام مخاصمات در این درگیریها نمی‌پردازد. ثانیاً، این مقاله به منابع قراردادی و مبتنی بر معاهده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌پردازد و اصولاً هنجارهای حقوق بین‌الملل عرفی بای یوس کوگنس (jus cogens) را بررسی نمی‌نماید. ثالثاً، صرفاً بر هنجارهای حقوقی بین‌المللی متمرکز می‌شوند و به حمایت‌های تطبیقی در قوانین منطقه‌ای و ملی اشاره نمی‌کند. نهایتاً، برای کمک به خواننده این مقاله، در پایان واژه‌نامه و کلمات اختصاری استفاده شده در این متن به همراه تعریف آنها به صورت یک ضمیمه خواهد آمد.<sup>۱</sup>

### ۱ - تفکیک انواع مختلف درگیریها

قبل از پرداختن به این که هنجارهای حقوقی بین‌المللی، در خصوص درگیریهای مسلحانه داخلی قابل اعمال هستند یا خیر، لازم است بین وضعیت‌های درگیری مسلحانه داخلی و اوضاع سایر انواع درگیریها تفکیک و تمیز قابل شد. حقوق بین‌الملل حداقل

<sup>۱</sup> - به جهت رعایت ایجاز، واژه‌نامه و کلمات اختصاری مذکور حذف گردیده است. از طرف دیگر، از آنجا که در ترجمه فارسی این مقاله، بجای کلمات اختصاری، عبارت کامل آنها آورده شده، حذف این بخش ضرورت بیشتری یافت.

پروتکل دوم ژنو مقرر می دارد که درگیریهای مسلحانه داخلی «باید در قلمرو یک دولت معظم متعاهد بین نیروهای مسلح آن و نیروهای مسلح مخالف یا سایر گروههای مسلح سامانیافته‌ای که تحت اوامر فرمانده‌ای مسؤل، قادر به اعمال کنترل خویش بر بخشی از قلمرو آن بوده به گونه‌ای که آنها را به انجام عملیات نظامی پیوسته و متمرکز و اجرای (پروتکل دوم) قادر سازد، انجام شود».(۹)

بخش استیناف دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق به ویژه در تصمیم خویش در خصوص قضیه دارستان علیه راسکو تادیک، این تعریف را بهبود بخشیده است.(۱۰)

## ۲- حقوق بین‌الملل قابل اعمال در درگیریهای مسلحانه داخلی

این بخش از مقاله به سه قسمت تقسیم می‌شود: تجزیه و تحلیل اهداف عمده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه؛ بررسی هنجارهای عمده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه قابل اعمال در حوزه درگیریهای مسلحانه داخلی؛ و ارزیابی خلاها و تقاربها در حمایت‌های نرماتیو ناشی از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در این موارد [یعنی وقوع درگیریهای مسلحانه داخلی].

ژنو و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، اعمال خواهد شد. علاوه بر آن، اغلب ضمانت‌های حقوق بشری نیز در این وضعیت‌ها قابل اعمال (البته تابع همان تعلیقاتها و محدودیت‌های تجویز شده برای حکومت‌ها در وضعیت آشوب‌ها و شورش‌های داخلی) باقی می‌مانند.

## ج- جنگهای [نهضت‌های] آزادی‌بخش ملی

اصطلاح «جنگهای [نهضت‌های] آزادی‌بخش ملی» به درگیریهای مسلحانه‌ای اشاره می‌کند که در آنها «مردم در اجرای حق خویش بر تعیین سرنوشت، علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانه و علیه رژیمهای نژاد پرست، مبارزه می‌کنند».(۶) عموماً گفته می‌شود همان مقررات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه قابل اعمال در خصوص درگیریهای مسلحانه بین‌المللی، در خصوص جنگهای [نهضت‌های] آزادی‌بخش ملی نیز اعمال خواهد شد.(۷)

## د- درگیریهای مسلحانه داخلی

اصطلاح «درگیریهای مسلحانه داخلی» به کلیه درگیریهای مسلحانه‌ای گفته می‌شود که نمی‌توان آنها را بعنوان درگیریهای مسلحانه بین‌المللی یا جنگهای نهضت‌های آزادی‌بخش ملی تلقی کرد.(۸)

## الف- اهداف عمده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

به رغم تقارب و تعامل‌های مهم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در سالهای اخیر، هنوز آن دور از نظر تاریخی و مفهومی دو شاخه متفاوت و متمایز از حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. با اینکه قواعد نوین حقوق بین‌الملل به صورت منظم تدوین نشده ولی رشد آنها تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم حداقل به آغاز تمدن غربی<sup>۲</sup> برمی‌گردد. (۱۱)

اگر چه از نظر تاریخی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه هم Jus ad bellomm (حقوق توسل به زور یا حقوق ناظر بر توجیه و مشروعیت بخشیدن اقدام دولتها به جنگ) و هم Jus in bello (حقوق درگیریهای مسلحانه یا قوانین قابل اعمال در طول جنگ) را در بر می‌گیرد، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه معاصر عموماً تنها بر حقوق درگیریهای مسلحانه متمرکز بوده و خود به دو عرصه اصلی تقسیم می‌شود: قوانین حاکم بر انجام مخاصمات در

طول درگیریهای مسلحانه؛ و قوانین ناظر بر حمایت از قربانیان این مخاصمات.<sup>۳</sup> (۱۲)

با توجه به تمنیات نرماتیو حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، معمولاً گفته می‌شود که این حقوق از یک طرف از نقض مقررات خویش جلوگیری و حتی آنها را مجازات می‌کند و از طرف دیگر، حقوق و تکالیفی برای دولتها و همچنین افراد پدید می‌آورد. (۱۳)

گرایش عمده آن حقوق این است که با ایجاد محدودیت‌هایی بر انجام شروع جنگ، آن را «انسانی» نماید.

برخلاف حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، ریشه حقوق بین‌الملل بشر به دوران نه چندان دور بلکه اخیر برمی‌گردد. اگر چه مفهوم حقوق فردی در تئوری اخلاقی، حقوقی و سیاسی بسیاری از کشورها به صورتی برجسته شکل گرفته است، تصور معاصر از حقوق که در اسناد حقوق بین‌الملل بشر درج شده است تنها در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن، تکوین یافته و محتوا به خود گرفته است. (۱۴) به طور مختصر، حقوق بین‌الملل بشر یک سلسله از حقوق بنیادین و

<sup>۳</sup>- به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه معاصر، اختلافی از دو ترتیب به ظاهر متعارض است. ضروریات نظامی، به تابعان حقوق بین‌الملل اجازه انجام مخاصمات و عملیات نظامی را می‌دهد ولی مقتضیات بشر دوستانه، با انسانی ساختن گستره و شدت عملیات مذکور را محدود می‌سازد تا قربانیان منازعات مذکور که اغلب افراد غیرمرتبط با آن مخاصمات هستند، از آثار زیانبار آنها در امان باشند یا آن آثار تا حداقل ممکن کاهش یابد.

<sup>۲</sup>- گفتنی است که با توجه به قواعد بشر دوستانه مقرر در حقوق بین‌الملل اسلامی به ویژه آیات قرآنی و سنت ائمه (علیه السلام)، باید در اینکه منشأ حقوق بین‌الملل آغاز تمدن غرب باشد، تردید داشت. آنچه به عنوان قواعد نوین حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود نیز چنان ابداعی نیستند که احکام اسلامی نسبت به آنها سکوت کرده باشند.

شرط مارتنس مقرر می‌دارد که طرفین هر درگیری مسلحانه باید «براساس اصول حقوق ملل نشأت گرفته از عادات ایجاد شده میان ملل متمدن، قوانین بشریت و ندهای وجدان عمومی» عمل نمایند. (۱۷)

ماده ۳ مشترک براساس شرط مارتنس استوار می‌گردد و مقرر می‌دارد که طرفین «درگیری (های) مسلحانه فاقد وصف بین‌المللی» (یعنی درگیریهای مسلحانه داخلی) باید حداقل استانداردهایی معین را در خصوص «افرادی که در مخاصمات مشارکت ندارند» (۱۸) اعمال نمایند. ماده ۳ مشترک بویژه تعهدی مثبت و ایجابی برای جمع‌آوری و مراقبت از بیماران و مجروحان ایجاد می‌کند و صراحتاً چهار دسته از اقدامات را ممنوع می‌نماید: «خشونت علیه حیات و افراد بویژه قتل به هر شکل، قطع عضو، رفتار خشن و شکنجه؛ گروگان‌گیری، هتک حیثیت افراد به ویژه رفتار تحقیرکننده و تحقیرآمیز؛ و صدور حکم مجازات و اعدام بدون قضاوت قبلی توسط یک دادگاه عادی که کلیه تضمین‌های قضایی مورد پذیرش ملل متمدن را اعطا کرده باشد».

پروتکل دوم اگر چه یقیناً گستره‌ای به وسعت کنوانسیونهای ژنو یا پروتکل اول ندارد لیکن «حداقل» حمایت‌های پذیرفته شده توسط شرط مارتنس و ماده ۳ مشترک را بهبود می‌بخشد. از نظر این مقاله، مهمترین

جهانشمول مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که افراد از حق مطالبه و اقامه آنها در مقابل دولت برخوردارند، مقرر می‌نماید.

همانند حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، هدف حقوق بشر نیز آن است که از نقض مقررات خویش جلوگیری نموده و آنها را مجازات نماید. با این حال، برخلاف بخشهایی از حقوق بین‌الملل بشر دوستانه (به ویژه مقررات مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول در خصوص «نقض عمده و فاحش»)، قواعد حقوق بین‌الملل بشر اصولاً تعهداتی را برای بازیگران غیردولتی در بر ندارند. (۱۵) از طرف دیگر، برخلاف حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، قواعد حقوق بین‌الملل بشر هم در زمان صلح و هم جنگ (البته تنها براساس محدودیت‌های بحث شده در بخش قبلی) اعمال می‌شوند.

## ب- هنجارهای عمده حقوق بشری و بشر دوستانه قابل اعمال در درگیریهای مسلحانه داخلی

در خصوص درگیری مسلحانه داخلی، سه منبع اصلی از حمایت‌های حقوق بشر دوستانه وجود دارد: شرط مارتنس، ماده ۳ مشترک [کنوانسیونهای چهارگانه ژنو]؛ و پروتکل دوم [الحاقی ۱۹۷۷]. (۱۶)

داخلی، منابع بسیار گسترده‌ای وجود دارند که حمایت‌های مذکور را می‌توان از آنها استخراج کرد. اسناد اصلی و حتی اولیه این حقوق، منشور ملل متحد (۱۹) و مجموعه‌ای بهم پیوسته از حقوق بین‌الملل بشری موسوم به «لایحه بین‌المللی حقوق بشر»<sup>۴</sup> هستند که شامل اعلامیه جهانی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و پروتکل اختیاری میثاق اخیر می‌باشند. (۲۰) علاوه بر این، اسناد مهم و بسیار زیاد دیگری نیز وجود دارند از جمله کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی، منع و مجازات کلیه اشکال بردگی، کنوانسیون منع و مجازات شکنجه و کلیه رفتارهای خشن، غیر انسانی یا خلاف شان بشری، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون وضعیت پناهندگان هستند.

اسناد مهم منطقه‌ای مختلفی نیز در این خصوص وجود دارند از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و منشور افریقایی حقوق بشر و اقوام.

با این حال، باید یادآور شد که در خصوص درگیریه‌های مسلحانه داخلی، دولت‌ها

اجزای پروتکل دوم، عبارتند از: بخش دوم (مقررات مربوط به رفتار انسانی با افرادی که یا در مخاصمات مشارکت مستقیم ندارند یا به مشارکت خویش پایان داده‌اند)، بخش سوم (مقررات مربوط به مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان و کارمندان پزشکی و مذهبی) و بخش چهارم (مقررات ناظر بر جمعیت غیرنظامی). در خصوص بخش دوم، بند ۲ ماده ۴ با اضافه کردن ممنوعیت‌هایی جدید از جمله علیه مجازات جمعی، تروریسم، بردگی، غارت و تهدید به انجام آنها، ممنوعیت‌های مندرج در ماده ۳ مشترک را تکمیل می‌کند. بخش دوم، حمایت خاص تفصیلی از کودکان (بند ۳ ماده ۴) و اشخاصی که آزادی‌شان محدود شده (ماده) را مقرر می‌دارد و یک سلسله استانداردهای شدید ولی عادلانه را در خصوص تعقیب و مجازات جنایات جنگی مرتبط با مخاصمه (ماده ۶) پیش‌بینی می‌کند. در خصوص بخش چهارم، مهمترین مقررات مرتبط با اهداف این مقاله، بند ۲ ماده ۱۳ (منع حمله یا تهدید خشونت آمیز علیه غیرنظامیان)، ماده ۱۴ (منع به قحطی کشاندن غیرنظامیان)، ماده ۱۵ (حمایت از کارگاه‌های محتوی نیروهای خطرناک) و ماده ۱۷ (منع جابجایی اجباری غیرنظامیان) هستند.

در خصوص حمایت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل بشر در حوزه درگیریه‌های مسلحانه

<sup>۴</sup> - Interational Bill of Rights



معاهدات متعدد حقوق بین‌المللی بشر نه تنها محتوای آنها را تکرار می‌نمایند بلکه تلاش می‌کنند تا به آنها صراحت بخشیده و گستره آنها را بیشتر و بهتر روشن سازند. بعنوان مثال، ممنوعیت‌های مقرر در ماده ۳ مشترک علیه خشونت، رفتار تحقیرکننده و صدور فرا قضایی احکام مجازاتها و انجام اعدام‌ها، در معاهدات حقوق بین‌المللی بشر هنگام پرداختن به حقوق غیرقابل تحدید و تعلیق به صورت معضل‌تر تکرار شده و معادل آنها پیش‌بینی گردیده است. (۲۴) با این حال، تعهد ماده ۳ مشترک در خصوص مراقبت از مجروحان و بیماران و منع گروگان‌گیری در اسناد حقوق بین‌الملل بشر از معادل برخوردار نیستند.

در خصوص پروتکل دوم الحاقی، بسیاری از ممنوعیت‌های مندرج در آن، در حقوق بین‌المللی بشر نیز تکرار شده‌اند. با این حال برخلاف ماده ۳ مشترک، مقررات پروتکل دوم، جامع‌تر از معادلهای آنها در حقوق بین‌الملل بشر هستند. بعنوان مثال، ممنوعیت‌های مقرر در پروتکل دوم علیه مجازات جمعی، تروریسم، بردگی، به قحطی کشاندن اجباری و جابجایی اجباری همگی معادلهایی نزدیک در معاهدات حقوق بین‌الملل بشر دارند. (۲۵) در حالی که به نظر نمی‌رسد هیچ یک از معاهدات اصلی حقوق بین‌المللی بشر چیزی را پیش‌بینی کرده باشند

می‌توانند اجرای بسیاری از حقوق مندرج در اسناد حقوق بین‌المللی بشر را محدود نموده یا به حالت تعلیق درآورند. اولاً، همانطور که قبلاً گفته شد، برخی از حقوق مندرج در اسناد حقوق بین‌المللی بشر به صورت حقوقی مطلق پیش‌بینی نشده‌اند بلکه بعنوان حقوقی تلقی شده‌اند که از جمله به خاطر حفظ نظم و امنیت عمومی ممکن است مشمول محدودیت‌هایی معقول قرار گیرند. (۲۱) ثانیاً در مواردی که در یک معاهده خاص حقوق بشری، «قید یا شرط تعلیق» پیش‌بینی شده است دولتها می‌توانند برخی از حقوق را معلق نمایند. خوشبختانه اغلب قیود تعلیق مذکور مقرر می‌دارند که برخی حقوق نظیر حق حیات و ممنوعیت‌های اقدام به شکنجه، بردگی و عطف بماسبق کردن قوانین ماهوری کیفری را نمی‌توان مورد تعلیق قرارداد. (۲۲) علاوه بر این، برخی از اسناد حقوق بین‌المللی بشر نیز استفاده از قیود تعلیق را مجاز نمی‌دانند. (۲۳)

### ج- خلاءها و هم‌پوشانی‌ها در حمایت دستوری (نرماتیو)

در بسیاری از موارد، مقررات حمایتی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قابل اعمال در درگیریهای مسلحانه داخلی، دارای معادلهایی در اسناد حقوق بین‌الملل بشر هستند. اولاً در خصوص شرط مارتنس و ماده ۳ مشترک،

بنابراین، مقررات حقوق بین الملل بشر دوستانه و حقوق بین الملل بشر تمایل دارند تا حتب همدیگر را مورد حمایت قرار داده و به اجرا در آورند و در این میان، حقوق بین الملل بشر دوستانه، برخی از خلاءهای مهم در رژیم حقوقی بین المللی بشر را پر می نماید. با این حال، مواردی وجود دارد که هنجارهای حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه به تنهایی نمی توانند سطحی مناسب از حمایت نرماتیو را برای قربانیان درگیرهای مسلحانه داخلی تأمین و تضمین نمایند. اولاً آندسته از هنجارهای حقوق بین المللی بشر و حقوق بشر دوستانه که در درگیرهای مسلحانه داخلی قابل اعمال هستند معمولاً تنها نسبت به بازیگران دولتی اعمال می شوند و از این رو، معمولاً نسبت به افراد یا بازیگران غیردولتی نظیر اعضای نیروهای پارتیزان اعمال نمی گردند. (۲۸) ثانیاً، بدیهی است که اجرای پروتکل دوم دشوار است. زیرا آستانه مربوط به اعمال پروتکل بسیار بالا است و از طرف دیگر، دولتهای درگیر در منازعات مسلحانه داخلی تقریباً همیشه از قبول قابل اعمال بودن پروتکل در خصوص وضعیت های مرتبط خویش سرباز می زنند. (۲۹) از این رو، پروتکل دوم که برای تکمیل حمایت های مقرر در ماده ۳ مشترک تدوین شده است، برای حمایت از قربانیان

که معادل ممنوعیت مقرر در پروتکل دوم علیه تهدید به انجام اقدامات خشونت آمیز با منع غارت باشد.

از طرف دیگر، مقررات ماده ۶ پروتکل دوم در خصوص تعقیب و مجازات جنایات مرتبط با درگیرهای مسلحانه، از جمله در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع و مجازات شکنجه و کلیه رفتارهای غیرانسانی، معادلهایی دارند که غیر قابل تحدید و تعلیق محسوب می شوند. (۲۶) لیکن بیشتر مقررات ماده ۵ پروتکل دوم در خصوص «حداقل استانداردهای حمایت از افرادی که آزادیشان محدود شده است»، معادلهایی روشن در حقوق بین المللی بشر ندارند. (۲۷) ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک (همانند مقررات پروتکل دوم در خصوص حمایت از کودکان) به صورت مفید مقرر می دارد که دولتهای عضو باید «متعهد شوند مراقب مخاصماتی که مرتبط با کودک هستند، باشند».

نهایتاً مقررات بخش سوم پروتکل دوم در خصوص حمایت از بیماران، مجروحان و کشتی شکستگان و کارکنان پزشکی و مذهبی و همچنین مقررات مواد ۱۵ و ۱۸ پیرامون حمایت از کارگاههای محتوی نیروهای خطرناک و فعالیت جمعیت های امدادی، فاقد معادلهایی در اسناد حقوق بین المللی بشر هستند.



### ۳- نهادهای مربوط به جبران نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

برای این که پتانسیل و قابلیت کامل اسناد حقوق بین‌المللی بشر و حقوق بشر دوستانه تحقق یابد، اسناد مذکور باید نهادهایی واجد صلاحیت هم تفسیر و هم اجرای مقررات آنها را پیش‌بینی نماید. از طرف دیگر، این بخش از مقاله، نهادهای عمده ملی، خارجی و بین‌المللی (خواه قضایی یا شبه قضایی) را که در حال حاضر در دسترس قربانیان درگیرهای مسلحانه داخلی هستند، مورد نگرشی مختصر قرار خواهد داد. (۳۲)

### الف- نهادهای قضایی و شبه قضایی ملی

نهادهای ملی، مرجعی بسیار مفید برای جبران نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌نمایانند. حداقل پنج نوع بالقوه از آیین‌های ملی وجود دارد که قربانیان باید آنها را مورد توجه قرار دهند: تعقیب کیفری؛ اقامه دعوی مدنی؛ محاکمات کیفری؛ حضور در مراجع مربوط به مهاجرتی؛ و کمیسیونهای تحقیق و تفحص.

اولاً اگر مقررات مرتبط حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر صراحتاً یا به صورت تلویحی به حقوق داخلی وارد شده و در آن به اجرا درآید، قربانیان باید تلاش کنند تا متهمین به نقض حقوق بشر یا حقوق بشر

درگیرهای مسلحانه داخلی، اغلب منبعی بسیار غیرقابل اعتماد می‌نمایند.

خوشبختانه بخش اعظمی از این ضعف‌ها و کاستی‌های آشکار حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشر دوستانه در پی ایجاد و تکوین جنایات علیه بشریت (که حوزه‌هایی از حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشر دوستانه را در برمی‌گیرد) مرتفع شده است.

اولاً، همانگونه که اخیراً در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری روانداد و اساسنامه رم مقرر شده است، (۳۰) تعریف جنایات علیه بشریت اساساً ربطی به مخصصات مسلحانه ندارد (با این حال باید به یادداشت که این دو اساسنامه ارتباط آن با «حمله گسترده و سیستماتیک» علیه جمعیت غیرنظامی را ضروری می‌دانند). (۳۱) ثانیاً، برخلاف حقوق بشر و بشر دوستانه، جنایات علیه بشریت به صورت مشابه و برابر نیست به دولت‌ها و بازیگران غیردولتی اعمال می‌شود. در نتیجه، حمایت‌های مقرر در حقوق بشر و بشر دوستانه در صورتی که با حمایت‌های تکمیلی ناشی از جرایم علیه بشریت ترکیب شوند، سطحی اساسی از حمایت حقوق بین‌المللی را برای قربانیان درگیرهای مسلحانه داخلی بدنبال خواهند داشت.

جبران تخلفات از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه هستند. در این خصوص، حداقل سه نوع از آیینهای مهم وجود دارند که قربانی باید آنها را مد نظر قرار دهد: تعقیب کیفری؛ آیین استرداد مجرمین؛ و اقامه دعوی مدنی.

در خصوص تعقیب کیفری، قربانیان قاردر خواهند شد تا براساس اصل صلاحیت جهانی در یک دادگاه خارجی، علیه فرد متهم به نقض حقوق بین المللی بشر (و به صورت محدودتر، حقوق بین الملل بشر دوستانه) استناد نمایند.<sup>۳۷</sup>

راه حل دیگر برای قربانیان این است که براساس حقوق بین الملل بشر، استرداد فرد متهم را به قلمرو تحت صلاحیت ملی یا به قلمرو تحت صلاحیت دولت دیگر درخواست نماید.<sup>۳۶۹</sup>

راه حل آخر آن است که علیه فرد متهم به نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، دعوی مدنی اقامه گردد. شاید شناخته شده ترین صلاحیت از این نوع، مورد ایالات متحده باشد که خواهانهای خارجی به صورت موفقیت آمیز به قانون دعاوی شبه جرم خارجی<sup>۵</sup> و قانون حمایت از قربانیان شکنجه<sup>۶</sup> متوسل شده اند.<sup>۳۸</sup>

دوستانه، در محاکم داخلی به صورت کیفری یا مدنی محکوم گردند.<sup>۳۳</sup>

ثانیاً، قربانیان می توانند امکان رسیدگی محاکم نظامی ملی به تخلفات اعضای نیروهای مسلح ملی از حقوق بشر دوستانه را مدنظر قرار دهند مشروط بر آنچه از جمله، مقررات ماده ۳ مشترک یا پروتکل دوم بر سر باز و فرد مبارز متهم، قابل اعمال باشند.

راه حل سوم این است که با اقامه دعوی نزد دیوان ملی مهاجرت، سلب تابعیت یا اخراج افراد متهم به نقض مقررات حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر دوستانه درخواست شود.<sup>۳۴</sup>

نهایتاً، قربانی می تواند امکان شهادت نزدیک کمیسیون ملی حقیقت یاب یا کمیسیون های تحقیق مشابه را برگزیند. این کمیسیونها برخی اوقات قادر هستند در خصوص افرادی که مرتکب نقض حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر دوستانه در طول یک درگیری مسلحانه داخلی تشخیص داده شوند، مجازاتهایی را توصیه یا صادر نمایند.<sup>۳۵</sup>

## ب- نهادهای قضایی و شبه قضایی خارجی

نهادهای ملی کشورهای خارجی به ویژه در مواردی که متهم از حوزه صلاحیت ملی گریخته است، مرجع مفید دیگری برای

<sup>۵</sup>- 28 U.S.C. & 1350.

<sup>۶</sup>- 28 U.S.C. & 1350.

## ج- نهادهای قضایی و شبه قضایی بین‌المللی

در خصوص صلاحیت کیفری بین‌المللی پیرامون تخلفات فردی از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ارتكابی در طول درگیریهای مسلحانه داخلی، آخرین تحول، تصویب اساسنامه رم و پیش‌بینی یک دیوان کیفری بین‌المللی است با این حال، تا زمانی که این دیوان ایجاد شود، دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری روانداد، تنها مراجع موجود برای صلاحیت کیفری بین‌المللی هستند.<sup>۷</sup>

از این رو، برای قربانیان که خود را در وضعیت دسترسی به صلاحیت این دو دسوان نمی‌بینند، بهترین راه حل بعدی برای جبران بین‌المللی این تخلفات، نظام حقوق بشری ملل متحد می‌باشد. (۳۹) معمولاً گفته می‌شود که این سیستم به دو دسته سازمانیافته تقسیم می‌شود: سازوکارهای قراردادی (یا نهادهای کنترل و نظارت مبتنی بر معاهده) (۴۰) و سازوکارهای غیرقراردادی. (۴۱)

راه حل دیگر امنیت که تلاش شود تا ابرای اقدام شورای امنیت خواه به صورت صدور قطعنامه یا مداخله در یک درگیری در حال پیشرفت و یا به صورت ایجاد محاکم موقتی

دیگر در طول یک درگیری خاص یا پس از آن، حمایت‌های لازم اخذ گردد. نهایتاً قربانیان می‌توانند حمایت مستقیم سایر بازیگران بین‌المللی مرتبط نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیسیون عالی ملل متحد در امور حقوق بشر را مورد توجه قرار دهند.

### نتیجه‌گیری

هدف این مقاله این بود که تلاش نماید بر هم کنش و پیوند متقابل نرماتیو و سازمانی بین حقوق بین‌المللی بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در خصوص درگیریهای مسلحانه داخلی را روشن نماید. در این مقاله، تجزیه و تحلیل انواع مختلف درگیریهای پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل، بررسی هنجارهای قابل اعمال حقوق بشر دوستانه و حقوق بشری در درگیریهای مسلحانه داخلی و مرور نهادهای عمده موجود و در دسترس قربانیان برای جبران تخلفات از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ارتكابی در طول درگیریهای مسلحانه داخلی ارائه گردید.

اگر چه بین حمایت‌های مقرر در حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، ناسازگاریها و خلاءهایی وجود دارد، با وجود این باید قاطعانه متذکر شد که رشته‌های حقوق بین‌المللی بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

<sup>۷</sup>- گفتنی است که با توجه به تحولات اخیر و توزیع همزمان ۱۰ سند تصویب اساسنامه دیوان در آوریل ۲۰۰۲، این دیوان در اول ژوئیه ۲۰۰۲ تشکیل خواهد شد.

همدیگر را تکمیل نموده و به اجرا در می آورند.

متأسفانه ناسازگاری گسترده بین درجه سوءاستفاده‌های که به صورت مداوم در وضعیت‌های درگیری مسلحانه داخلی صورت می‌پذیرند و تعهدات ناشی از استانداردهای حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه همچنان باقیست.

به یقین، پر کردن خلاء مذکور و [ تقویت پل ارتباطی بین آندو رشته از حقوق بین‌الملل ] در قرن بیست و یکم مستلزم خلاقیت و ابتکار - و حتی به صورتی مهمتر، مستلزم تلاشی مجدد برای تقویت استانداردهای کنونی حقوق بین‌الملل بشر - خواهد بود. بدین منظور، تنها با حمایت و تقویت هوشیارانه استانداردهای حقوق بین‌الملل بشری است که می‌توان به پیشگیری از جنگ و کلیه بلایای همراه آن امیدوار بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی